

## بروجرد

علیرضا فرزین، ناهید رشیدی، حجت‌الله یارمحمدی  
ناهید رشیدی مفرد، مرضیه سلیمانی فرد، زهره شمسی

شهرستان بروجرد یکی از شهرستان‌های استان لرستان است. این شهرستان در منطقه کوهستانی زاگرس قرار گرفته و مرکز آن شهر بروجرد است. شهرستان بروجرد از شمال به شهرستان‌های ملایر و نهاوند در استان همدان، از شرق به شهرستان شازند در استان مرکزی، از جنوب به شهرستان دورود و از غرب به شهرستان‌های خرم‌آباد و دلفان محدود می‌شود. این شهرستان ۱۹۸ روستای دارای سکنه دارد. این شهرستان از دو بخش مرکزی و اشترینان و ۷ دهستان تشکیل شده است.

### داروهای گیاهی منطقه و خواص آن‌ها

**ملو (malu):** ریشه این گیاه راه که ضخامت آن به اندازه انگشت دست است، خوب می‌پختند سپس آب آن راه که به صورت شیرهای سفت باقی می‌ماند، تا قبل از اینکه کاملاً سفت شود، در زمانی که قابلیت شکل‌پذیری داشته، به صورت حب یا قرص‌های کوچکی در می‌آورند که به عنوان داروی زخم معده و ورم معده استفاده می‌کردند.

اشخاصی که دچار این‌گونه ناراحتی‌های جسمی بودند هر روز ۳ الی ۴ عدد از این قرص‌ها را مصرف می‌کردند.

**خار زول (xar zowl):** از این گیاه شیرهای تراوش می‌شود که به آن ژویی (zoiy) می‌گویند. خوردن ژویی موجب رفع سرفه و گلو درد می‌شود.

**کلک خرگوشه (xargosa kolik):** این گیاه را پس از چیدن به دو صورت استفاده می‌کنند:  
- گیاه را مثل چای دم کرده و به شخصی مبتلا به کمر درد یا پادرد می‌خوراندند.  
- گیاه را خشک کرده روی کار (زگیل) قرار می‌دادند تا زگیل از بین برود.

**گل هیرو (hiro gole):** روی این گیاه چند عدد گل وجود دارد که گل‌ها را جدا کرده با مقداری آب

می‌جوشانند. آب آن برای رفع یبوست استفاده می‌شود. به این صورت که جوشانده حاصل را توسط اماله وارد بدن بیمار می‌کردند تا بهبود یابد.

- خاصیت دیگر و طریقه مصرف آن بدین شکل بود گیاه را خام با یک پیاز خرد شده مخلوط کرده و می‌کوبیدند و روی محلی که دمل داشت می‌گذاشتند تا دمل به اصطلاح برسد و چرک و جراحت از آن خارج شود.

- روش دیگر استفاده از گیاه بدین شکل بود که پس از پختن و جدا کردن تفاله آن، آب صاف شده را به صورت نوشیدنی برای پاک کردن معده انسان و دام استفاده می‌کردند.

- گل این گیاه را گرفته با ماست مخلوط می‌کردند. برای علاج سودا روی بدن می‌مالید تا از حرارت بدن بکاهد.

**پی کله (pey kola):** نوعی خار است که در مزارع می‌روید برای رفع اسهال دم‌کرده آن را مصرف می‌کنند.

**ریشه درخت بید** جهت پایین آوردن تب، ریشه‌های سرخ‌رنگ و نازک بید را روی پیشانی بیمار قرار داده با دستمال می‌بستند.

**ژونداری (zondari):** نوعی درختچه که چوب آن را خشک کرده و خوب می‌کوبند تا خرد شود، بعد خوب جوشانده همراه با نبات به شخصی که کمردرد دارد می‌خوراندند.

**سمسا (semsa):** نوعی گیاه است شبیه پونه خشکانده این گیاه را دم می‌کنند که برای علاج درد چشم و سر مفید است.

**پشمینه (pasmina):** گیاهی است شبیه غوره پنبه نام دیگرش داری کلکینه (dari kolkina) است، دم کرده این گیاه را برای رفع سرماخوردگی به بیمار می‌خوراندند.

**ازگوه (az geoa):** گیاهی با گل‌های سرخ‌رنگ که گل‌های آن را چیده و دم می‌کنند، دم کرده آن برای رفع سردرد، کمردرد و دل‌درد بسیار مفید است.

**گلاروند (gola rona):** نوعی مسکن است که برای علاج درد، گل آن را دم کرده می‌خورند.

**میرم نخودی (miram noxodi):** گیاهی است تلخ مزه که گل آن را داخل آب ریخته پس از خیس خوردن با نبات می‌خورند و برای رفع ترش کردگی معده مفید است.

**بالنگو (balangu):** این گیاه دانه‌هایی دارد که داخل آب داغ پس از مدتی لعاب انداخته و ماده‌ای ژله‌مانند روی آنها را می‌گیرد این دانه‌ها را همراه با آب آن برای علاج سرفه و سینه درد مصرف می‌کنند.

**اسخنگ دوس (osoxong dus):** برای علاج سردرد، گل این گیاه را گرفته دم می‌کنند و می‌خورند.

که جو روکو (ka jeoa ro cow): گیاهی که ته چشمه‌ها می‌روید و برگ‌های آن روی آب پهن می‌شود. این برگ‌ها را روی سر قرار داده با دستمالی می‌بستند تا سردرد التیام یابد.

علف قیترونی (elfe qey teroni): این گیاه را با زرده تخم‌مرغ مخلوط کرده روی محلی از دست که ریشه ریشه شده گژدمه (gaz doma) قرار می‌دهند و می‌بندند.

آرزوکه (arezo ka): نوعی علف که طعم تندی دارد و دم‌کرده آن را برای رفع سر درد می‌خورند.

بارهنک (bahang): گیاهی است به دانه‌های ریز و سیاه‌رنگ دم کرده، این دانه‌ها برای علاج سرماخوردگی، سینه درد و سینه پهلو بسیار مفید بود.

سایر موارد استفاده آن به این نحو است: وسط یک پیاز را خالی می‌کردند و تعدادی از دانه‌ها را داخل آن می‌ریختند سپس در آن را با یک تکه چوب نازک می‌بستند و آن را داخل تنور می‌گذاشتند تا خوب پخته شود سپس آن را بیرون آورده و پس از سرد شدن روی دمل می‌گذاشتند تا دمل سرباز کند و چرک و جراحت آن خارج شود.

بن‌سور (sor ben): گیاهی شبیه تره و خوشمزه است، آن را داخل غذا می‌ریزند و می‌خورند این گیاه برای مداوای دل‌درد مفید است.

سایر موارد استفاده آن: گیاه را ناشتا به کسی که سنگ کلیه داشته می‌دادند تا سنگ را دفع کند این دم کرده همچنین موجب تسکین درد کلیه می‌شود.

مخالصه (moxalesa) و سم سم (som som): دو نوع علف‌اند که آن‌ها را با هم دم می‌کردند و برای علاج دردهای مفاصل ناشی از رطوبت (رماتیسم) میل می‌کردند.

کما (kama): نوعی علف است که دم کرده آن را برای علاج سردرد ناشی از سرماخوردگی که آن را اصطلاحاً منقو (mengeo) می‌گویند استفاده می‌کردند، گاهی نیز بیمار را با آن بخور می‌دادند.

گرچویی (gorcuuy): درختچه‌ای است که پس از چیدن گل‌های آن دم کرده‌ای برای رفع انواع دل‌درد تهیه می‌کردند.

درکه ژو (derke zu): درختچه‌ای است که چوب آن را تکه‌تکه کرده و دم می‌کنند، طعم این دم کرده شبیه آب انار و بسیار مطبوع است و برای علاج دردهای ناگهانی عضلانی، درک، (derk) مفید است.

گل گلورک (gol golorak): نوعی علف که آن را پخته و روی موضع درد قرار داده و با پارچه‌ای می‌بستند تا موجب التیام درد شود.

خلفه (xolfa): دانه‌های ریزی است که از گیاهی به نام دنو تیزکنک (deno tiz kenak) می‌گیرند این گیاه در مزارع خیار و باقالا می‌روید. این دانه‌ها را بو داده به کودکی که بیوست و تب دارد می‌خوراندند. همچنین خود گیاه را مثل سبزی همراه با غذا می‌خورند که باعث ازدیاد اشتها می‌شود.

بروجرد / فرزین، رشیدی، یارمحمدی، رشیدی مفرد، سلیمانی فرد، شمسی

**خاکشیر** را برای رفع عطش و گرمادگی همراه با آب و شکر می‌خورند.

**شاه‌تره (satara):** این گیاه را خوب پخته کاملاً له می‌کردند سپس با مقداری ماست مخلوط کرده، روی محلی که سودا گرفته قرار داده و می‌بستند تا زخم مذبور التیام یابد.

**شلمه (salema):** علفی است که در کنار جوی‌های آب می‌روید، برگ آن را روی زخم قرار داده زیرا زخم‌های چرکی را خشک و مداوا می‌کند.

**کازنی (kazni):** نوعی علف است که به دو صورت استفاده می‌شود:

- علف را با مقداری آب جوشانده آب حاصله را از صافی عبور داده تا کاملاً زلال شود. بعد از سرد شدن، جوشانده را به بیماری که سودا یا تب شدید داشته می‌دادند. داروی مورد نظر، دمای بدن بیمار را به حالت عادی برمی‌گرداند.

- گرفتن عرق بید و کازنی: کازنی یا (کاسنی) و پوست بید را داخل ظرف نسبتاً بزرگی قرار داده داخل آن و درست وسط ظرف بزرگ، ظرف خالی کوچکی می‌گذاشتند و بالای درپوش ظرف اصلی مقداری پنبه گذاشته تا بخار آب را جذب کند.

پس از جوشیدن، قطرات، درون ظرف کوچک‌تر جمع شده، عرق حاصل را به اشخاصی که مبتلا به اختلال حواس هستند می‌خورانند.

### **مداوای دردها با داروهای غیر گیاهی**

**کمر درد** برای علاج کمر درد خاک زمینی که سرخ رنگ باشد (خاک رس) را با شیر مخلوط کرده روی محل درد قرار داده با پارچه‌ای محکم می‌بستند.

**پادرد** برای علاج پادردهایی که بر اثر نم و رطوبت ایجاد می‌شد، ابتدا گوسفندی را ذبح کرده پوست آن را درسته و بدون ایجاد پارگی می‌کنند. این پوست را خیکه (xika) می‌گفتند بعد شخص را تا جایی که ممکن بود داخل پوست می‌کردند و حداکثر یک روز به همین شکل باقی می‌گذاشتند، هنگام بیرون آوردن، پتو یا چیز دیگری آماده می‌کردند و بیمار را سریع داخل پتو پیچیده تا بر اثر باد سرما نخورد. این عمل را ژونه‌زو (zonezo) می‌گفتند.

**دل‌درد** برای علاج دل‌درد شیر خر یا سگ می‌خورند، گاهی برای رفع دل‌درد شکم خود را به سنگ‌های قبرستان می‌مالیدند تا خوب شود.

**ریشه ریشه شدن پوست انگشت** برای علاج ریشه‌های کنار ناخن انگشت را داخل گوش خر می‌کردند.

**زخم چرکی** برای مداوای زخم چرکی نوعی سنگ به نام توتیاکوا (totia kea) را کوبیده و روی آن می‌ریختند.

**چش گل (cas gel):** در این بیماری چشم قرمز شده و آبریزش دارد، برای بهبود آن شیر زنی را که اولین فرزند خود را به دنیا آورده داخل چشم بیمار می‌ریختند.

### بیماری‌های پوستی

**دمل** برای علاج دمل گیاهی به نام هفت دارو، که تخم‌هایی بلورین شکل دارد، با هون خرد کرده می‌پزند بعد مقداری روغن حیوانی به آن اضافه کرده روی دمل می‌گذارند. این دارو باعث می‌شود دمل خوب برسد و جراحات و چرک‌ها را بیرون دهد. بعد از یک شب که چرک‌ها بیرون آمد روی محل زخم حلووا می‌گذارند و می‌بندند تا زخم بهبود یابد، اگر دمل بزرگ بود به وسیله نیشتر آن را سوراخ کرده و جراحات را بیرون می‌کشیدند.

نحوه دیگر درمان دمل به این صورت است که مقداری شیشه را به وسیله هاون می‌کوبیدند تا کاملاً خرد شود، سپس شیشه‌های خرد شده را از صافی عبور داده تا دانه‌های درشت آن گرفته شود و قسمت نرم آن را روی دمل می‌گذاشتند و سه الی چهار ساعت می‌بستند زمانی که روی زخم را باز می‌کردند جراحات و چرک از آن خارج می‌شد.

باز هم روش دیگری برای درمان دمل وجود داشت. کتیرا، آرد جو، شیر خر، گل هیرو را با هم مخلوط کرده معجونی را که به دست می‌آمد و به آن هرهر (har har) می‌گفتند روی دمل گذاشته و می‌بستند تا جراحات خارج شود. اگر خارج نشد دلاک روی دمل نیشتر می‌زد.

**بادسره (bad sora):** هنگامی که محلی از بدن قرمز رنگ و متورم می‌شد، برای جلوگیری از پیشرفت برآمدگی، دور آن خط می‌کشیدند و در صورت امکان فرد حجامت کن قسمت مذکور را حجامت کرد و در غیر این صورت خود افراد روی محل باد سره را چند مرتبه تیغ می‌زدند و نخ محکمی را از دو طرف گرفته با فشار روی محل می‌کشیدند تا خون جمع شده خارج شود.

**جوش** برای مداوای جوش‌های درشت چرکی که رنگ آن‌ها معمولاً قرمز است از زالو استفاده می‌کردند، این کار را افراد به‌خصوصی انجام می‌دادند و جانور را روی محل جوش قرار داده، حیوان شروع به مک‌زدن خون می‌کرد و خون‌های کثیف آن قسمت را می‌خورد و با این کار چرک و خون از زیر پوست خارج می‌شد.

روش دیگر مداوای جوش به این شکل بود که قره‌قروت روی آن می‌گذاشتند.

**زخم گوا (zaxm keoa):** نوعی تاول است که بین انگشتان دست و پا بیشتر ایجاد می‌شود، برای درمان آن ریشه گیاهی به نام شکروک (sakarok) را در آب می‌جوشاندند تا غلیظ شود، سپس کمی آرد به آن اضافه کرده تا خمیری از آن به دست آید، آن را روی زخم گذاشته با پارچه‌ای می‌بستند تا زخم التیام یابد.

تب گیاهی به نام ناون نلا (navan nela) را مثل چای دم‌کرده برای پایین آوردن تب به شخص تب‌دار می‌خوراندند.

در روستای بزازنا برای علاج تب و لرز شدید یا کوآ (keoa)، روی سر بیمار چند مرتبه تیغ می‌زدند تا از آن خون جاری شود سپس بز یا جوجه خروس را ذبح کرده و خون حیوان را روی سر مریض می‌ریختند و از گوشت آن نیز خوراکی می‌پختند تا مریض بخورد.

برای پایین آوردن تب ریشه گیاهی به نام چقچقه (کاسنی) (caq caqa) را جدا کرده داخل ظرفی پر از آب در شب‌های مهتابی در معرض نور ماه قرار داده بعد به شخص تب‌دار می‌دادند.

همچنین برای قطع شدن تب، برگ گیاه کاسنی را، که مزه تلخی دارد، می‌خورند و ریشه آن را در ظرف آبی به مدت یک شبانه‌روز قرار می‌دادند، سپس آب آن را به شخص تب‌دار می‌دادند بخورد.

**حناق (ho naq):** برای علاج این بیماری که زیر گلو متورم شده (گوارت) صابون آب نرته را رنده کرده با خرما سیاه رنگ خوب مخلوط کرده روی سطح گلو گذاشته و می‌بستند. این ضماد برای علاج جوش و دمل نیز استفاده قرار می‌شد.

**تویت (tav yat):** حالتی بود که کودک مزاجش خوب کار نمی‌کرد، شیر خورده را پس می‌داد و حالت غیر عادی داشت، برای درمان روی پیشانی کودک تیغی گذاشته و با ضربه انگشت به آن تلنگر می‌زدند تا مقداری خون بیرون بیاید و کودک بهبود یابد.

**درد پا و مفصل پا** برای آرام کردن درد، مقداری تریاک را در ظرف کوچکی با کمی آب حل کرده روی محل درد می‌گذاشتند و مالش می‌دادند، سپس با پارچه‌ای روی آن را می‌بستند.

**چشم‌درد** برای علاج درد چشم، آن را با چای تازه دم سرد شده شست‌وشو می‌دادند و برای علاج چشم‌درد کودک شیرخواره از شیر مادرش استفاده کرده درون چشم می‌ریختند. همچنین برای پیش‌گیری از چشم‌درد روی گوش کودک سه مرتبه تیغ می‌کشیدند تا مقداری خون از آن جاری شود.

**خونریزی** برای بند آوردن خون تار عنکبوت کارتک (kartenak) روی محل خونریزی می‌گذاشتند. برای بهبود جراحت و زخم تیز سنگ را خرد کرده پودر می‌کردند و آن را با آب یونجه مخلوط کرده روی زخم قرار می‌دادند و می‌بستند تا زخم التیام یابد.

- تکه پارچه‌ای را سوزانده خاکستر حاصل آن را روی زخم گذاشته و به وسیله پارچه‌ای می‌بستند به این عمل کونه سو (kona su) می‌گفتند.

- نوعی گیاه به نام بله (bala) را روی محل خونریزی قرار داده می‌بستند.

- مقداری یونجه را روی محل خونریزی گذاشته و با پارچه‌ای می‌بستند.

**سوختگی** برای مداوای سوختگی، ریشه گون را می‌تراشیدند تا مغز سفید رنگ آن، که همان کتیراست، نمایان شود. کتیرای حاصله را یک شب داخل شیر می‌گذاشتند تا خوب خیس بخورد سپس آن را با پودر حاصله از دانه‌های گیاه هفت‌دار<sup>۱</sup> مخلوط کرده ضمادی به دست آمده را روی محل سوختگی مالیده و می‌بستند.

۱. قسمت گیاهان دارویی.

روش دیگر مداوای سوختگی به این شکل بود که روغن کنجد روی محل سوخته می‌ریختند و به وسیله پارچه‌ای تمیز می‌بستند و یا سیب‌زمینی را به شکل ورقه‌های نازک بریده روی محل سوختگی قرار می‌دادند. همچنین برای بهبود محل سوختگی مقداری از چوب درخت پوسیده را روی محل قرار داده و می‌بستند.

کشیدن دندان این کار را دلاک با انبری که قلمه‌تی (qalmeti) نام داشت انجام می‌داد، برای جلوگیری از خونریزی دندان کشیده شده یک تکه گوشت سرخ کرده آغشته به نمک قرار می‌دادند. در صورتی که اطراف دندان ورم کرده بود ژوبی را با مقداری روغن و کمی آرد مخلوط کرده روی آن می‌گذاشتند تا ورم اطراف دندان بخوابد سپس دلاک مبادرت به کشیدن آن می‌کرد.

### شکسته‌بندی

#### شکستگی

اگر استخوان می‌شکست اطراف محل شکستگی چند عدد تخته قرار داده آن را محکم می‌بستند. پس از مدت مشخص مثلاً ۱۵ تا ۲۰ روز تخته را باز کرده، گوسفند یا چپش (بز کوچک) را ذبح کرده قسمتی از پوست چپش یا وردمه (var doma) گوسفند را روی محل شکستگی می‌گذاشتند و باز هم مدتی می‌بستند تا شکستگی التیام یابد.

پس از جوش خوردن محل، برای نرم شدن و جریان پیدا کردن خون ریشه درختی را که به آن وزم (vezm) می‌گویند در آب جوشانده پس از مدتی که غلیظ شد آب غلیظ شده یا شیره مانند آن را یا دنبه گوسفند مخلوط کرده روی محل قرار می‌دهند و با پارچه‌ای می‌بندند. در شهر بروجرد قبل از تخته‌بندی کردن، محل شکسته گیاهی به نام کم (kom) را در هاون کوبیده با سفیده تخم‌مرغ مخلوط کرده، روی پارچه‌ای قرار می‌دادند و در قسمت شکسته می‌بستند.

#### دررفتگی

اگر سریع متوجه دررفتگی می‌شدند یا جابه‌جا کردن قسمت در رفته آن را جا می‌انداختند، ولی اگر دو سه روز از آن می‌گذشت قبل از جا انداختن مقداری خرما با چربی گوسفند مخلوط کرده روی محل دررفته گذاشته و می‌بستند تا خون در محل مذکور جریان یابد، بعد به محض باز کردن، محل دررفته را جا می‌انداختند.

این کار را فردی آگاه انجام می‌داد.

در روستای بزازنا پس از جا انداختن، نوعی علف به نام کام (kam) را با زرده تخم‌مرغ مخلوط کرده روی آن گذاشته و با پارچه‌ای می‌بستند.

در روستای ونایی از کلک چپش (kolke capos) (موی بز) استفاده می‌کردند، بدین شکل که مقداری از موی بز را با قیچی جدا کرده روی محل دررفتگی قرار می‌دادند و با پارچه‌ای می‌بستند تا بهبود یابد.

### کوفتگی

اگر شخصی بر اثر کار زیاد یا مسافرت طولانی دچار کوفتگی بدن می‌شد برای رفع آن حالت، شخص را تا گردن زیر شن گرم (در تابستان) قرار می‌دادند بعد از مدتی شخص را بیرون آورده داخل پتو یا لحافی می‌پیچیدند تا گرمای حاصل از ماسه در بدن اثر کرده و عضلات را نرم کند و اثر کوفتگی از بدن خارج شود.

ضرب‌دیدگی برای درمان ضرب‌دیدگی، مقداری آرد و نمک (نیم آرد و نیم نمک) را با آب مخلوط کرده ورز می‌دادند خمیر تهیه شده را روی محل ضرب‌دیدگی قرار داده با تکه‌ای پارچه می‌بستند.

**حجامت** حجامت کردن زمانی صورت می‌گرفت که خون بدن کثیف می‌شد.

قسمتی از بدن (معمولاً پشت کمر) را چند بار تیغ می‌کشیدند و شاخی را که داخل آن خالی بود و انتهای آن سوراخی کوچک تعبیه شده بود روی محل تیغ زده گذاشته و از انتهای شاخ مک می‌زدند. البته طوری این عمل را انجام داده که خون وارد دهان حجامت‌کننده نشود. این عمل را افراد خاصی که شغلشان حجامت کردن بود انجام می‌دادند.

**دلاک** دلاک‌ها افرادی محلی بودند که علاوه بر کار اصلاح سر و صورت به کشیدن دندان، ختنه کردن، حجامت کردن نیز آشنا بودند و این قبیل کارها را در روستا یا شهر انجام می‌دادند. دلاک روستای سنگ سفید، که امروزه نیز به این کار اشتغال دارد، همراه با دو برادر خود کارهای یاد شده روستا و روستاهای همجوار را نیز انجام می‌دهند، این شخص و برادرش شغل خود را از پدر به ارث برده‌اند.

**نحوه پرداخت مزد به دلاک** در مقابل هر سری که یک سال متوالی اصلاح می‌کرد سه کیلو که بالطبع این هم از سهم‌هایی بود که پس از برداشت و تقسیم محصول داده می‌شد. مزد دلاک برای ختنه کردن هر پسر ۱۵ تا ۲۰ تومان همراه با یک عدد بند تمبان (شلوار) بود. در روستای سنگ سفید، در گذشته ۳ کیلوگرم گندم و ۳ کیلوگرم جو برای اصلاح سر و صورت هر نفر می‌گرفتند ولی در حال حاضر ۵ کیلوگرم گندم می‌گیرند. برای ختنه کردن کودکان مبلغی مشخص پرداخت نمی‌کردند و هرکس بنا به توان مالی خود هر قدر که تمایل داشت پرداخت می‌کرد.

### دیر راه افتادن کودک

برای آنکه کودکان بتوانند زودتر و بدون کمک کسی راه بیفتند، وسیله‌ای به نام تاپوله (tâpola) (همان روروک امروزی) از جنس گل درست کرده و کودک را درون آن قرار می‌دادند. تاپوله را همانند تنور از ترکیب گل و کاه به شکل استوانه‌ای درست کرده تا کودک با قرار گرفتن در آن و درست گرفتن از لبه‌های آن به راحتی راه برود، همچنین لبه‌های تاپوله را با مهره‌های رنگی و گژک تزئین کرده تا کودک با آن‌ها سرگرم شود.



در صورتی که کودکی از زمان راه افتادنش گذشته و راه نیفتاده بود، قلوه گوسفند را کباب کرده و کف آن را گرفته بر زانوهای و کشاله ران کودک مالیده، بعد از مدت کوتاهی کودک شروع به راه رفتن می‌کرد.

### دیر زبان باز کردن

تخم کبوتر یا کفتار (kaftar) خام با به کودک خورانده بعد از چندین بار مصرف زبان باز کرده و تکلم می‌کرد.

### باروری و فرزندآوری

#### عقیم بودن و نازایی

ماماهای محلی این منطقه از همه دلایل عقیم بودن و نازایی اطلاعات کافی ندارند. دلایل نازایی زنان را تخمدانی گوشتی و فاقد تخم و ضعف دستگاه تولید مثل می‌دانند. در ضعف دستگاه تولید مثل در اثر کم‌کاری تخمدان‌ها به مردان و زنان توصیه می‌کنند از خوردن خوراکی‌های سرد پرهیز کرده و از خوراکی‌های گرم همچون عسل، شیر، ماهی زبیدی، و دنبلان (تخمدان گوسفند) استفاده کنند.

#### سقط جنین و روش‌های پیشگیری از آن

- برای پیشگیری از سقط جنین به زنان در ماه‌های اول بارداری توصیه می‌شده که بدن خود را تقویت و از بلند کردن چیزهای سنگین پرهیز و کمتر نزدیکی کنند.  
- زنی که مشکوک به بارداری بوده و دچار خونریزی می‌شود نشاسته را با ماست می‌خورده تا خونریزی قطع شود و در غیر این صورت جنین پلاسیده شده به راحتی دفع شود در صورت ناموفقیت، این کار را با کورتاژ در بیمارستان انجام می‌دهند.  
- در روش دیگر دوغ و کشک را به همراه پاچه گاو پخته، روغن آن را گرفته و به مواد اولیه نمک، ادویه، آلت (فلفل) پیاز اضافه کرده و طی چندین روز از آن خورده تا جنین دفع شود.

#### زایمان و بیماری‌های ناشی از آن و روش‌های پیشگیری و درمان

اولین بیماری که بعد از هر زایمان ممکن بوده زن زائو را تهدید کند عفونت دستگاه تناسلی بود برای پیشگیری از این بیماری زن زائو بعد از زایمان روی خاکستر داغی، که تازه از تنور بیرون آورده، می‌نشست تا خون‌های کثیف داخل شکم و رحم خارج شود. این کار را با نشستن روی خشت گرم هم انجام می‌دادند.

#### تعیین جنسیت جنین

- مامای محلی این منطقه اعتقاد بر این دارد اگر شکم زن باردار سفت و نافش داغ باشد جنین او پسر است و اگر شکم زن به طرف بالا و سرد باشد جنین دختر است که البته این علائم بسته به طبع زن باردار تغییر می‌کند.

- اگر جنین سمت راست شکم قرار گرفته باشد دختر و چنانچه مایل به سمت چپ شکم باشد پسر است.  
- اگر زن باردار کسل و بی‌حوصله و تنبل باشد جنین دختر است و اگر خوش‌اخلاق و چابک و بانشاط باشد پسر است.

**خالکوبی** ایجاد نقوشی به رنگ کیود در قسمت‌های مختلف بدن گاه برای درمان و گاه به منظور زیبایی است.

- در جنبه درمانی خال را برای درمان آب آوردن مفاصل بر مچ دست، روی دست، مچ پاها، روی پا و در درمان آسم بر گردن می‌کوبیدند.  
- نقوش زینتی را زنان روی صورت (بالای ابرو، روی چانه) روی انگشتان و مردان روی زانو، سینه و پشت کتف می‌کوبند. نقوشی که زنان در خالکوبی استفاده می‌کنند، ستاره، گل و برخی نقوش ساده و بی‌معنی بوده و مردان بیشتر چهره زنان و یا تصویری با مفهوم خاص را خالکوبی می‌کردند.

### روش خالکوبی

خالکوبی را اغلب زنان کولی قروتی (qorvati) انجام می‌دهند. در این کار رنگ مورد استفاده را از دوده چراغ به همراه آب شب‌مانده تهیه می‌کنند. ابتدا محل خالکوبی را با روغن چراغ چرب کرده بعد طرح مورد نظر را با دوده روی بدن کشیده و در آخر با سوزن آن‌قدر روی نقوش کوبیده تا از آن محل خون جاری و دوده جذب پوست شود و نقش آن ماندگار شود.